



مقام ادب و ادبا

در حیات بشر

نگارش آقای غلام جیلانی خان جلالی

شاتو بریان (۱)؛

فرانسوارونه دو شاتو بریان که یکی از بهترین نویسندگان فرانسه است در سال ۱۸۶۷ در سنت مالو متولد گردیده طفولیت خود را در (قلعه محزون) کومبورگی بسر آورد، شاتو بریان دوره تعلیمات ابتدائی را در همانجا پیدایان رسانید، چندی بعد با ژنرال میلان طبع جوانش در سلك عسکری داخل شد و در اندک زمان بمعاونی (رژیمان ناو ار) و سپس کاپیتان سواره نظام مقرر شد، در عین زمان بیاریس رفته در دربار لوی ۱۶ که آن زمان در آوج شکوه بود معرفی و در محافل و مجامع ادبی بیاریس بزرگوار شد، در آنجا با ارباب سخن و نویسندگان عصری از قبیل (لو برن) (شامپور) (مالرب) اشنائی پیدا کرده و با ژر همین آمیزش قیمت دار قریحه حساسش که از طفولیت با ادب و قلم مایل بود به بدایع دماغی و صنایع نفیسه بالخاصه بنویسندگی مانوس و مشتاق گردید.

(۱) Chateaubriand.

سپس بقصد سیاحت بامریکای شمالی مسافرت نموده و اطلاعاتی راجع بمناطق سیاحت کرده خود در دماغ گنجشایدده راجع ببقای قسمتهای امریک از روی افسانه های دیگر سیاحین و بومیان معلوماتی جمع آوری نموده بزمان مرگ لوی ۱۶ بفرانسه مراجعت و ازدواج کرد، متعاقباً پس از چندی دوباره بنظام منسلک شده در (نیون ویل) زخمی شد، بعد ازان بفکر انزوا و جمع کردن افکار و موضوعات افتاده ابتدا در (بروکسل) و (ارزی) و بالاخر در لندن عزت اختیار کرد و در این عزلتگاه اخیر بفقیر و مسکنت می زیست .

دوره نویسندگی: در سال ۱۸۰۰ پاریس مراجعت کرده باثر مرگ خواهر

و مادر خود چندی بیاد خاطره های طفولیت تنها بسر برد . انتشار کتاب او موسوم (روح مسیحیت) که بطرفداری و هوا خراهی نقشه های ترمیم مذهبی بونا پارت تحریر شده بود باو موقع داد که منشی سفارت روما مقرر گردد و بعداً بصفت وزیر مختاری فرانسه در « والی » پایتخت قدیم سویس نامزد ولی پس از چندی بازقتل (دوک دوانترین) که دوست جانی ویکی از محسین کشنده گان سلیقه ادبی او بود طبع بی قرارش از ناپلیون ^{برگشته} استعفا داد و بطرف جنوب و شرق مسافرت نمود ، درین سیاحت خود یونان ، قسطنطنیه ، فلسطین ، تونس ، اسپانیه را تماشا کرده ضمناً از روی دیده گیهای خود زمینه کتاب موسوم به « شهیدان » و (از پاریس نایت المقدس) را نوشته و مخصوصاً در کتاب « مرکور » که آنرا هم در همان آوان نوشته بود مخالفت شدیدی باناپلیون نشان داد و بهمین مناسبت منع شد که یعنی نطق مرتبه اش را در اکادمی فرانسه ، ایراد نکنند .

حیات سیاسی شاتوبریان بازگشت (بوربون ها) را باحسرت تمام تلقی و پذیرائی کرده وبواسطه جزوه مولفه اش موسوم به (بناپارت) و بوربونها ،

قبولیت ملی سلسله اخیر الذکر را کمک نموده و تفوق شانرا بر ناپلیون تأیید کرد و عضو مجلس اعیان انتخاب شده اعتبار و نفوذی بسزا یافت، بی هم به سفارت بران، سفارت روم و نماینده فرانسه در کنگره بین الدولی (وردن) و بالاخره در کابینه (ویللی) بصفه وزیر امور خارجه افتخار یافت و داو طلبانه در جنگ هسپانیه حصه گرفته این فتح بر مباحث آفرود، ولی بعد از جندی ازین وظیفه معزول گشت. اگرچه بار دیگر در ۱۸۲۸ به حیث سفیر روم منصوب شد، مگر باثر سقوط شارل دهم کناره گیری قطعی اختیار و حیات خصوصی را آغاز نمود.

دوره پیری: سالهای اخیر حیات شاتور بیان قرین حزن و انزوا ولی در آغوش تمول و اعتبار بسر رسید، سرگذشت خود را فروخته و شرط گذاشت که قبل از مرگش طبع و نشر نگردد، بهمین مناسبت نام این نسخه باقیمت را (یاد داشتهای بعد از مرگ) گذاشته بود، این نویسنده معروف در سال ۱۸۴۸ بعمر ۸۱ سالگی عالم فانی را وداع گفته، فوت کرد و همایکت آرزو داشت در جزیره (گران بی) مقابل (سنت مالو) که مولد و قرارگاه اجدادش بود در کنار دریا و دامن کپسار مدفون شد آثار گیرنده باروح این استاد ماهر ادبیات فرانسه که تماماً از آزادگی و باریکی خیال و نیرومندی ذهنی او حکایت میکنند در عالم ادبیات منزلت بلندی را حایز و طرف توجه و تحسین تمام ملل غربی واقع گشته مشهورترین آن بقرار ذیل است: (رنه) (۱) و (روح مسیحیت) (۲) (شپیدان) (۳) (از پاریس تا بیت المقدس) (۴) (سفر امریک) (۵) (کنگره ورون) (۶)

(۱) Rene. (۲) Genie de Christianisme. (۳) Les Martyrs. (۴) Étinéraire de Paris a Jérusalem. (۵) Voyage d'Amérique. (۶) Congras devérone

(جنگ هسپانیه (۱)) ، (اتالا) (۲) که در بیشتر زبانها ترجمه گردیده است .

ارنست رنان (۳) (۱۸۲۳ - ۱۸۹۲)

حیات رنان : (۱) : این نویسنده مشهور فرانسۀ شاکرد تربیت مذهبی از (۱۸۲۳ - ۱۸۴۵) بوده و در شهر مذهبی تربیکه متولد شد ، رنان بخاطر داشت که چون از تحصیل مذهبی فارغ شده بود طبعاً کشیش میشود بناء علیه تحصیلات خود را در مدارس (سن نیکولا دو شار دونه) (ایسی) و (سن سوپلیس) تکمیل نمود ، اما در ضمن مطالعه کتب السنه سامی که او را بسوی تفاسیر مقدس رهبری میکرد نسبت بکشیشی مسیحیت کم عقیده شده خواست که زندگی خود را تغیر بدهد .

۲ مورخ : رنان (۱۸۴۵ - ۱۸۹۲) درجات عامی خود را در اموختن علم تاریخ پایان رسانیده اولاً بپایتالیه و بعد بسوریه مامور شد ، کتاب اول او رسوم به (حیات عیسی (ع)) او را اهمیت زیاد داد . اما حکومت امپراطوری او را مشتبه شناخته از فرانسه منفی شد - بعد از آن در ۱۸۷۰ مدیر (کولیر دو فرانس) مقرر گردید و بواسطه موازنه فراخ موجودیت خود ، تا آخرین لحظه قوت خود را حفظ کرده در هنگام وفات مثلیکه برای مرگ آماده شده باشد کارهای ناانجام خود را تمام کرده بود . آثار او : تاریخ : مطالعات تاریخ مذهبی - مبادی مسیحیت (Les origines du christianisme حیات عیسی (ع)) (La vie de jesus) ۱۸۶۳

۱ پور ترها : (Apôtres) ۱۸۸۱ سن پول : (Saintpaul) ۱۷۶۹

(۱) Guerre d'Espagne. (۲) Attala. (۳) Ernust Renan.

انتیکریست *Antechrist* ۱۸۷۲ نسبت با بنجیل شریف *Les évangilles* ۱۸۷۷
 کلیسای مسیحی *Chretienne (Eglise)* ۱۸۹۷ مارک اورل *Marc aurele*
 ۱۸۸۱ تاریخ ملت اسرائیلی : - *Histoire du peuple d'Israel*
 ۱۸۸۸ - ۱۸۹۴
 ۲، علم زبان : - تاریخ عمومی و سیستم مقایسه کننده السنه سامی ۱۸۵۵ :
Histoire générale et système comparé des langues semitiques.
 ۳، فلسفه آینده سائنس *Avenir de la Sciences* تجارب اخلاق و انتقاد
 ۱۸۵۹ *Essais de la morale et de critique* مباحث فلسفی ۱۸۷۶ - *Dia-*
logues philosophiques.
 ۴، درامهای فلسفی *Dramas philosophiques* (۱۸۷۸)
 ۴، متنوعه : یاد کارهای طفلی و جوانی - *Souvenirs d'enfances et de*
jeunesse (۱۸۸۳) بر گهای کننده *feuille les d'attachés* ۱۸۹۲ : طتمها و کنفرانسها
Discours et conférences (۱۸۸۷) مکاتبه *Corres poudances* (۱۸۹۸)
 اسلوب : - مطالعات مذهبی ذوق او را خیلی نفیس ساخته تمام عقاید و افکار
 او ازین گفته او معلوم میشود ! ^{حاضر علم} قبلاً مقدر بود که من يك رومانیکی اعتراض
 کننده بر خلاف رومانیسم ، يك قلم سر شتی باشم که نقطه بنقطه زمین و عظ
 سیاسی نمایم دید ما باشم که بر خلاف تظاهر به بورژوازی بخود بسیار زحمت بدیم
 يك تسج مخالفت باشم
 ازین سر نوشت خود شکایت نمیکم زیرا همین تشکیل اخلاقی تفریحات ذهنی بسیار
 شدیدی را که امکان چشیدن دارد برایم تهیه کرده است .
 روان در نوشتن تاریخ بیشتر پیروی روایات را میکند لهذا متخصصین سبک او

را نمی پسندند و لی طرز بیان و تصورات او نهایت متین و قشنگ است .
در فلسفه نظریات مختلفی دارد زیرا گاهی در امور دنیائی خوش بینی زائد الوصفی
نشان داده زندگی را سراسر توصیف میکند و گاهی بر خلاف اظهار عقاید قسمت اولی
بدین شده خرابیها را علاج ناپذیر میداند .

(رمان) بمشرق خصوصاً بسوریا مسافرت ها نموده و با اثر مسافرت های زیاد آثار
فلسفی مشرقی را خوانده در آن خصوص اظهار نظریه میکند رمان در آثار مشرقی خود
نما ما محاسن شرق قریب را منصفانه قید نموده اخلاص زیادی نسبت بمشرق و مشرقیان
ظاهر می نماید بعضاً این نویسنده از برخی جهات مشرق را نظر بمغرب ترجیح
میدهد و شخصاً از جمله مستشرقین معروف بشمار است . این نویسنده در شرق با مسلمین
در زیبا ، عیسائیه با مسیحی برده و یاد کار های خوبی از مشرق بمغرب ارمغان برده
است ، علاوه این نویسنده با علامه سید جمال الدین افغان هم داخل مصاحبه شده
بارها در موضوع شرق و غرب با هم تعاطی افکار نموده اند .

پیرلوتی : (۱) (۱۹۲۳ - ۱۸۵۰)

این نویسنده از جمله شعرای زبردست و پسترایکی از صاحب منصبان بحری
میباشد ، پیرلوتی در سال (۱۸۵۰) در *Rochefort* متولد گردیده از آغاز جوانی
قریبه برجسته او بشعر و شاعری و صنایع مستظرفه مایل بود ، در آوان شهاب
حکایات شیرینی را که غالباً در مشرق جریان داشته است با سلیقه شعرای نامدار قرن
۱۹ (از جمال کائنات به نسبت استنشاق هوای جبال سرسبز پست و بلند ، مناظر
دلکش طبیعی ، فضای کشاده و نورانی ، دره های شاداب و خرمیکه به رود های
جوشان مشرف باشد) بیان نموده اند .

در حالیکه دنیای مشرق دورهای انحطاطی را می پیماید و مخالفین از هر طرف زبان طعنه و استهزا دراز نموده اند پیرلوتی نه بر عادات آنها طعنه و نه بر زیبایی آن خوردگیری مینماید بلکه بنوع حیات شرقیها علاقه مخصوصی داشت.

این نویسنده بزرگ آوانیکه در وطن خودش سکونت داشت برای بسر بردن حیاتی در مشرق فوق العاده علاقمندی داشت لهذا در دیوار منزل خود را بسوزن دوزیمهای هندی، قالین های شرقی و اسباب چینی تزئین میداد علاوه پیرلوتی ساختمان عمارت خود را بطرز مساجد شرق بنا نموده رشحات تمدن باستانی مشرق را با هنک داستان سرایی بگوش همقطاران دور و نزدیک خود می چکاندومی نوشت که تمدن اولاً از شرق مایه گرفته و ملل مشرق دورهای مشعشع و روشنی را طی کرده اند تمدنیکه دائره عظمت ملل غربی را توسیع نموده از مشرق سرچشمه شده، برای اثبات این مطلب اوضاع جمود و خمود محیط غرب را قبل از رنسانس با توانا ترین لهجه طلاق بیان نمیل میداد.

فتوحات اعراب مجاهد و نورکها که بسایه اتفاق و اتحاد برفرق ممالک مغربی قمچین

نادیب می نواخت *یا ثورک قالم رسل اول نخیلات بلند و کتینی یاد آوری میگرد.*

لسبت بتورکها محبت مخصوصی داشت چنانچه از آثار او بوی عشق محبت ترك اشتشام میشود، زمانیکه صحنه گیتی از گرمی هنگامه جنگ بطشت خون و صفحه آتش میباند ملوتی بضیاع حقوق و سبجیه ترکیه افسوس می خورد، در هر جا که اسیری از ترك و ترکی نژاد میدید اشك حسرت از دیده اش سرازیر می شد حتی غالباً به بیروی قلم توانای خود از شرقیان مدافعه می نمود ازین رو میتوان گفت که رایحه زیباییکه سرتاسر مشرق می وزید طبیعت آن رایحه را فشرده در کاسه ریخته و بدست این شاعر حساس میداد او هم با رغبت کامل بسر می کشید چنانچه لوتی هر جا فرصتی

می یابد با طریقه که مخصوص اوست از خرمن قشنگ ممالک مشرق خوشه بغنیمت
ر بوده همقطاران خویش را تلخکام گذاشته است .

از مزایای نالیف او یکی اینست که در عموم مظاهر کائنات مضامین و
الفاظ تازه در قالب زبان فرانسه ریخته و در انتخاب الفاظ و دریافتن اصطلاحات
متناسب چنان یک ذوق و دقت بکار برده است که از جهات بسیار خواننده
را بشور آورده در سایه خدایس شیرین بیانی و ظرافت ادبی در قلب مطالع
راه پیدا میکند .

(آزباد) *Axiyade* اولین موافقه او در سال ۱۸۷۹ منتشر گردید یکسال
بعد کتاب موسوم به (ازدواج لوتی) *Mariage de Loli* که حاوی سرگذشتهای
رنگین است نشر نموده . این سلسله آثار او که عبارت از داستان سرانیست
در کتب مادام (کریزانتیم) *Madame chrysantome* سال ۱۸۸۷ و
(در مراکش) *Au Maroc* در سنه ۱۸۹۰ و هیکل مشرق *Contome d'orient*
۱۸۹۲ و بیت المقدس *Jerusalem* ۱۸۹۵ و صحرا *Le desert* ۱۸۹۵ (هند
در غیاب انگلیسها) *L'inde sans les anglais* ۱۹۰۳ (سفر اصفهان)
Vers Topahan ۱۹۰۴ (ترکیه در حالت احتضار) *La Turquie*
L'amort de notre ۱۹۱۳ و (مرگ فرانسه عزیز و شرق) *cherie France et l'orient*
۱۹۲۰ هر کدام جدا جدا مؤید ادبیات فرانسه
و بمثابه دسته گل سرخی است که از طبیعت مستعد و خیال نازک شرق پرستی او
کل چینی می شود .

کذا مناظر دلربای هستی را که در طول مسافرنهای شرق ایسلاند و بر و نانیو برایش

زخ داده است در کتب افریقا در مراکش 'رومان يك فرد سپاهی' *Le roman* 'دینسپاهی' از اظهار عمیده يك فرد سپاهی چنین حکایه میکند:

« دایما این خیال بر من پدیدار میشود که نیمه روح مرا افکار غرب فرا گرفته، ترکیه و مشرق، فلسطین، هند، چین، سر نوشت جاپان را با احساسات آتشین بیان نموده ».

نمود نوشته‌های لوتی در کتب (شکاری ایسلاند *Pêcheurs d'Islande* و برادر من آیو *Monfrereyes*) بحد کمال رسیده سبب شیرینی این کتب سرور است که با چاشنی غم و اشکهای ملایم آمیخته شده حتی در عناوین بعضی از رساله‌های او مانند (کتاب تراجم و مرگ) *Le livre de lapetit delamiel* و (گل های عصبیت) *Fleurs d'ennui* این صفت مراعات شده و هر تالیفی نسبت به تالیف ما قبلس فراز تر به بالا رفته و کره از پیچیدگیها اولیه اش باز کرده است از آن جمله کتاب (را ما انیچو) *Ramuntcho* را نام می بریم .

دوست مشرق : لوتی در سال ۱۹۲۳ جهان فانی را وداع گفته فوت نمود ، این نویسنده معروف و مستشرق بزرگ در صحنه باغیکه بنمونه باغهای نخل زار عرب که از طرف خود او در زمان حیاتش تهیه دیده شده بود مدفون گشت .

لامارتین *Lamartine* : لامارتین یکی از شعرای معروف قرن ۱۹ فرانسه است که در سال ۱۷۹۰ در محلی موسوم به ما کون متولد گردیده تحصیلات خود را در شهر (لیون و بیلی) تکمیل نمود ، این شاعر بعد از آن سفری بایطالیه کرد که در آنجا (گرازیلا) اثر معروف خود را تالیف نموده در کتاب مذکور تمام کوائف جوانی خود را نحر بر کرد .

لارماتین بعد از آنکه از محبوبه خود مادام الویر جدا گردید ازین روز بعد احساسات لارماتین خیلی متالم گردیده حتی از دنیا دلسرد شد تنها چیزیکه این شاعر معروف فرانسه را اندکی متسلی می ساخت همانا نظاره مناظر دلپسند بود: که گاهی بر فراز کوه برآمده بر سنگی می نشست و بعضاً بساحل بحر رفته مکن می گزید چنانچه اشعارش تماماً رسمها و تابلوهای مناظر قدرتی است و بصورت ساده کشیده شده، ما از لهجه و مضمون اشعارش احساسات مشارالیه را بدرستی درک نموده نخیلات شاعرانه (۱) ژو ساین (۲) مرگ سقرات (۳) گرازیلا (۴) مسافرت شرق (۵) بالاخر دلسردیش را از دنیا و علاقمندی زیادش بعالم کائنات قدرتی حس میمائیم و بس، کونت دو لیل: *Conte de lille* (۱۸۲۰ - ۱۸۹۴).

حیات: کونت دو لیل بسر جراحی بود که بدوره تحصیلات در جوانی به هند و جزائر جنوبی مسافرت نمود، سپس از مراجعت در شهر ررون فرانسه به تحصیلات پرداخت در ضمن تنایم که که *قتاله نویسی* نموده بالاخر در روزنامه فلانتر محررتین گردید، از انجا بنام مجلس ملی که غلام گیری را معفو قرار داده بود مکتوب شکریه فرستاد.

حیات شعری و سیاسی: دو لیل از سال ۱۸۴۸ - ۱۸۹۴ زیسته در اثنای حیات بسیار هم شمولیت و رزید ولی بزودی از سیاست دق آورده ذاتاً بشعرو نویسندگی همت گماشت دو لیل با داشتن حیات شاعرانه دوستان و ارباب دوائر را بدور خود جمع نموده در عین حال برای کتب خانها تراجم مضامین یونانی میداد، امپراطورنا پلیون سوم تقاعدی رایش مقرر ساخت اما چون در فرانسه جمهوریت

(۱) Méditation poétiques. (۲) Jocelyn. (۳) Lamort de cocraie. (۴) Graziella. (۵) Voyage d'Orient.

قائم شد مشارالیه بریاست مجلس سناتین کر دیده متاقباً بعد از مرگ ویکتور هوگو در اکادمی فرانسه جانشین او شد (۱۸۸۷) .

اشعار و آثار دولیل شامل منظومه هائیت بسبک اشعار قدیمه ۱۸۵۲ و اشعار وحشی (۱۸۶۲) و اشعار حزن انگیز ۱۸۸۴ ، اشعار اخیر ۱۸۹۵ و تراجم تنوکریت (۱۸۶۱) ایلباد (۱۸۶۶) ادیسه (۱۸۶۷) و یک درامه قبولی ایشیل لیزا برینی (۱۸۷۳)

سبک دولیل :- مجموعه های ادبی این نویسنده از شا هکار های شعری فرانسه بشمار است .

دولیل هم اشعار (پسی میست) زیاد دارد و دران راجع بمرک و نا امیدی مضامین خوبی را برشته نظم در کشیده است اما بیشتر اشعار اورا مضامین مذهبی و افسانه وی (روایاتی) تشکیل مینماید .

چیزیکه در سبک دولیل قابل دقت و باعث توجه میباشد طرز تصویر و تراکت خیال اوست .

رتال جامع علوم انسانی

